

What are the Inclinations of the Soul and the Ways to Deal with it by Emphasizing the Nahj al-Balaghah and the Mystical Thoughts of Imam Khomeini

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Assadollah Naseri¹,
Seyed Hamid Hosseini^{2*},
Ali Hossein Ehteshami³

How to cite this article

Assadollah Naseri, Seyed Hamid Hosseini, Ali Hossein Ehteshami. What are the Inclinations of the Soul and the Ways to Deal with it by Emphasizing the Nahj al-Balaghah and the Mystical Thoughts of Imam Khomeini. *Islamic Life Style*. 2023; 6(4):1-9

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamadan Branch, Islamic Azad University of Hamadan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Theology and Sciences of Quran and Hadith, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Theology and Sciences of Quran and Hadith, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: hoseinihamid2@gmail.com

Article History

Received: 2022/03/08

Accepted: 2022/04/20

ABSTRACT

Purpose: The aim of this study is to answer the question of what is the inclination of the soul and the ways to deal with it, while emphasizing the essence of the incense of the soul by emphasizing Nahj al-Balaghah and Imam Khomeini's mystical thoughts, emphasizes the important issue that human beings Kamali will face a stubborn enemy called Nafs Amara, who uses various tricks to make sin easy and beautiful. The researcher's motivation in this paper is to achieve the process of induction of the kid by the soul, to explain the dimensions and effects of this subject on various anthropological issues.

Materials and Methods: Using content analysis method and qualitatively and using library resources, the author first deals with the semantics of nostrils, then analyzes the synonymous and key meanings of this word such as delivery, decoration, and talbis.

Findings: The defecation of the soul is so complex and precise that no one is safe from its deadly danger at any level except the Infallible (peace be upon him). It is also a skeptical and hierarchical matter that is directly related to the level of cognition and faith, position and position of individuals, which if ignored and not treated in a timely manner, the ground for deviation and fall from the human level is provided.

Conclusion: The results show components such as: mindfulness and awakening, thinking and contemplation, guidance, benefiting from the advice of the Qur'an, piety and foresight, meditation and self-calculation, among the most practical strategies to deal with the challenge of self-sufficiency with emphasis on the teachings of Nahjul Balagha and They are the thoughts of Imam Khomeini.

Keywords: Nurses, Delivery, Decoration, Dressing, Nahjul Balagha, Imam Khomeini

چیستی مکائد نفس و راه کارهای مقابله با آن با تأکید بر نهج البلاغه و اندیشه های عرفانی امام خمینی (ره)

اسدالله ناصری^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه
آزاد اسلامی همدان، ایران.

سید حمید حسینی^{۲*}

استادیار، گروه الهیات و علوم قرآن و حدیث، واحد همدان،
دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

علی حسین احتشامی^۳

استادیار، گروه الهیات و علوم قرآن و حدیث، واحد همدان،
دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف پاسخ به چیستی مکائد نفس و راه کارهای مقابله با آن، ضمن تأکید بر چیستی مکائد نفس با تأکید بر نهج البلاغه و اندیشه های عرفانی امام خمینی، بر این موضوع مهم تأکید دارد که انسان در مسیر تربیت و حرکت کمالی خویش با دشمن سرسختی به نام نفس اماره مواجه خواهد شد که با شگردهای مختلف، گناه را آسان و زیبا جلوه می دهد. انگیزه محقق در این نوشتار دست یابی به فرایند القاء کید توسط نفس، تبیین ابعاد و آثار این موضوع در مسائل مختلف انسان شناسی است.

مواد و روش ها: نگارنده با روش تحلیل محتوا و به صورت کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، ابتدا به معناشناسی مکائد نفس پرداخته، سپس مفاهیم مترادف و کلیدی این واژه مانند تسویل، تزیین، و تلبیس را تحلیل نموده است.

یافته ها: مکائد نفس بقدری پیچیده و دقیق می باشد، که هیچ کس در هیچ مرتبه ای به جز معصوم علیهم السلام از خطر مهلک آن در امان نیست. همچنین امری تشکیکی و دارای مراتب است که با مراتب شناخت و ایمان، موقعیت و جایگاه افراد ارتباط مستقیم دارد که در صورت بی توجهی به این مهم و عدم درمان به موقع زمینه انحراف و سقوط از مراتب انسانی وی فراهم می گردد.

نتیجه گیری: نتایج نشان می دهد مؤلفه هایی چون: یقظه و بیداری، تفکر و تدبر، مشارطه، بهره مندی از نصایح قرآن، تقوا و پروا پیشگی، مراقبه و محاسبه نفس، از جمله کاربردی ترین راه کارهای مقابله با چالش مکائد نفس با تأکید بر آموزه های نهج البلاغه و اندیشه های امام خمینی می باشند.

کلید واژه ها: مکائد نفس، تسویل، تزیین، تلبیس، نهج البلاغه، امام خمینی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۳۱

*نویسنده مسئول: hoseinihamid2@gmail.com

مقدمه

مکائد نفس از اصطلاحات برگرفته از آموزه های دینی به ویژه اندیشه های عرفانی امام خمینی است. علی (ع) می فرماید: «همانا نفس گوهری گران بها است، هر که آن را نگه داشت بلند مرتبه اش گردانید و هر که از آن نگهداری نکرد پست و خوارش ساخت» (۱). آن چه موجب خروج از جاده بندگی حضرت حق می شود عدم مراقبت از این نفس است و منظور از عدم مراقبت بی توجهی به مکائد نفس است. مکائد نفس ترندها، حیلها، نقشه ها، خدعه ها، فریب ها و تمامی عوامل سقوط و موانع حرکت به سمت کمال است که با اشکال و حالات گوناگون ظهور و بروز می نماید، این مکائد، گاه چنان انسان را در قبضه قدرت خود می گیرند که گویی خود انسان به ناخود تبدیل شده است به گونه ای که قوای ادراکی و ابزارهای معرفتی که خداوند در وجود او به ودیعه نهاده است را نادیده گرفته و به سرعت به سمت حیوانیت حرکت می کند و هرچه سرعت انسان در مسیر تبعیت از مکائد نفس بیشتر می شود آثار مخربی بر دل و جان او حاکم گردیده و مقدمات سقوط به اسفل السافلین برایش فراهم می گردد. امام خمینی در این زمینه می فرماید: ای برادر در مکائد نفس و شیطان دقیق شو. بدان که نمی گذارند تو بیچاره یک عمل خالص بکنی، و همین اعمال غیر خالصه را که خداوند به فضلش از تو قبول کرده نمی گذارند به سر منزل برسانی (۲).

با بررسی نقطه نظر حضرت علی (ع) این نکته مهم مستفاد می گردد که موانع حرکت انسان به سمت کمال گاه جنبه درونی دارد که از آن تحت عنوان «نفس اماره» یاد می کنیم و گاه جنبه بیرونی که مصداق آن شیطان می باشد. توضیح این که نفس دارای ابعاد و لایه های متعددی است که در قرآن مجید به سه مرتبه (اماره، لواحه و مطمئنه) آن اشاره شده است. نفس اماره، حالتی از نفس است که همواره انسان را به بدی ها و برآوردن خواسته های شهوانی، فرمان می دهد. نفس اماره ابتدا گناه را آسان جلوه می دهد (تسویل) و با تزیین آن، شخص را به ارتکاب فعل ترغیب می نماید. و این البته از پیچیدگی های نفس است که انسان خودش را فریب دهد و به تعبیر قرآن (أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا) (فاطر/۸): نکته دیگر آن که تا تمایل و درخواست از سوی نفس نباشد شیطان کاری از پیش نمی برد، به همین دلیل است که شیطان مرحله به مرحله نقشه های خود را پیاده می کند. به عبارت دیگر، نفس اماره با توجه به زمینه و گرایش حیوانی موجود در انسان، تحت تأثیر وسوسه شیطان واقع شده و شیطان نیز مرحله به مرحله جلو می آید، تا جایی که فرد نیز جزو حزب شیطان محسوب می شود. علی (ع) در این باره می فرماید: «نفس اماره مانند فرد منافق، تملق انسان را می گوید و در قالب دوست، جلوه می کند تا بر انسان مسلط شود و او را به مراحل بعد وارد کند» (۳).

با توجه به این که مراد از مکائد نفس فریب انسان توسط خود، زینت دادن زشتی برای انسان با شگردهای مختلف و اموری است که حقیقت بر انسان از ناحیه او وارونه نشان داده می شود، فلذا ابتدا به چگونگی کید توسط نفس و سپس ضمن تحلیل و ارزیابی واژگان مرتبط با کید نفس (تسویل، تزیین، و تلبیس)، به راه کارهای بازدارندگی نفس از کید اشاره می نماییم.

کلام علی (ع) نازلۀ روح مطهرانسان کاملی است که وجودش با قرآن یکی بوده و شخصیت برجسته و ممتازش تربیت یافته مکتب صاحب رسالت است، الگوی حسنه‌ای که عظمت روحی، علمی و معنوی وی قابل توصیف نیست به گونه‌ای که پیامبر عظیم الشان اسلام او را باب مدینه علم خود می‌داند. آنچه در کلام علی (ع) در قالب های مختلف همچون خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها مورد توجه است، بیانگر اهمیت انسان شناسی و پیوند این مهم با مبدأ عالم هستی یعنی توحید و خداشناسی است. ضرورت این شناخت که پیوسته مورد تأکید و توصیه پیامبران و اولیاء الهی بوده است، انسان را وادار می‌سازد با تأمل در لایه‌های ناشناخته درونی، ابعاد ژرف و عمیق هستی خود را واکاوی کند. آنچه در این پژوهش مورد توجه است، بیان دیدگاه علی (ع) و اندیشه‌های عرفانی امام خمینی پیرامون موانع و حجاب‌ها و عواملی است که معرفت انسان نسبت به خویش را با مشکل مواجه می‌کند، و کدام راهنما و معالجه کامل‌تر از وجود نازنین علی (ع) و شاگرد مکتب آن امام همام، امام خمینی (ره) می‌تواند انسان را نسبت به شناخت دشمن ترین دشمنان که همان نفس اماره است، هدایت نماید. لذا سؤال اصلی این پژوهش چیستی مکائد نفس از منظر و نگرش حضرت علی (ع) و با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی است. و از درون سوال اصلی این پرسش مطرح می‌شود که از منظر ایشان برای مقابله با مکائد و حيله‌گری‌های نفس چه آموزه‌ها و راه‌کارهایی ارائه گردیده است؟

پیشینه پژوهش

از آن‌جا که بحث ما در این پژوهش تمرکز بر روی مسئله مکائد نفس با محوریت کلام حضرت علی (ع) و امام خمینی (ره) است لذا رویکرد این پژوهش با آنچه در این باره انجام شده است تفاوت دارد. قابل توجه این که تاکنون در باره مسأله مکائد نفس و ارائه راه کارهایی برای مقابله با آن پژوهش مستقلی انجام نگرفته است ولی نزدیک به این موضوع تحقیقات ذیل صورت گرفته است. در مقاله ای با عنوان « بررسی و تحلیل بزرگترین موانع رشد و کمال انسانی در نهج البلاغه و مثنوی (۴) به تطبیق دیدگاه علی (ع) و مولوی پیرامون خطر نفس و شیطان به عنوان موانع بزرگ رشد و کمال انسان پرداخته شده است. در مقاله دیگری تحت عنوان « مراحل استکمال نفس از منظر نهج البلاغه (۵)، ضمن بیان غایت بعد کمالی به بیان مراتب و چگونگی منازل هفتگانه قوس صعودی و راهکارهای ارتقاء نفس به سمت کمال پرداخته شده است. در مقاله دیگری با عنوان «تحلیل و ابعاد واکاوی حدیث شریف «من عرف نفسه فقد عرف ربه در متون عرفانی» (۶)، به این موضوع پرداخته است که انسان باید ابعاد ژرف و عمیق هستی خود را واکاوی کند و ضرورت این معرفت را بر سایر معارف مقدم و ارجح بداند. گرچه در مقالات فوق به نوعی موضوع نفس بررسی و مباحثی مطرح گردیده است، ولی پژوهش حاضر ناظر به نگاه حضرت علی (ع) و امام خمینی پیرامون مکائد نفس است که در صورت معرفت نسبت به این موضوع رسیدن به قله منبع انسانیت سهل و آسان خواهد بود.

ضرورت و اهمیت پژوهش

خدای متعال در اهمیت مراقبت از نفس تأکید می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا فوا انفسکم و...» (تحریم/ ۶) و نیز می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم...» (مائده/ ۱۰۵)؛ علی (ع) معرفه النفس را سودمندترین معرفت‌ها معرفی می‌فرماید (۱). از منظر امام خمینی مکائد شیطان و نفس به قدری دقیق و باریک است، و صراط انسانیت به طوری نازک و تاریک است که تا انسان موشکافی کامل نکند نمی‌فهمد چکاره است (۲). با توجه به مطالب فوق اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر آن است که لازمه رسیدن به خدای متعال شناخت نفس، موانع و مکائدی است که در این راه وجود دارد. بدون شک جامعیت شخصیت الهی و کلام نافذ حضرت علی (ع) و شاگرد عامل مکتب آن امام عزیز یعنی امام خمینی (ره) الگو و راهنمای مؤثر و بی‌نظیر برای انسانی است که قصد خروج از ظلمت کده نفس و حرکت در مسیر کمال و تربیت الهی را دارد. به همین جهت تحقیق حاضر به چیستی مکائد نفس و راه‌کارهای مقابله با آن با محوریت آموزه‌های حضرت علی (ع) و اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌پردازد.

بحث

مفهوم شناسی کید

واژه «کید» در لغت به معنای قی کردن و برگرداندن از راه دهان است که وقتی در معنای متشابه به کار می‌رود، به معنای پیچیدگی حق و باطل است، به صورتی که اصلاً قابل تشخیص نباشد. در اصطلاح نیز به سعی و تلاش در ضرر رساندن به غیر، به صورت حيله زدن تفسیر شده است. این ماده در بسیاری از موارد به معنای مکر بیان شده و سی و پنج مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است، اما به مراتب شدیدتر از مکر است (۷). راغب می‌گوید: کید نوعی حيله است گاهی مذموم و گاهی ممدوح هر چند در مذموم بیشتر است. همین‌طور است استدراج و مکر که گاهی ممدوح باشند (۸). بعضی گفته‌اند: فرق بین کید و مکر آن است که کید قوی‌تر از مکر است، و شاهدش آن است که کید بنفسه متعدی می‌شود. اما مکر به وسیله حرف (۹).

شیخ طوسی معنای اصلی واژه «کید» را «مشقت» دانسته است (۹). مفسران گاه «کید» را تدبیر و حيله‌ای در جهت ضرر رسانی می‌دانند (۱۱) و گاه آن را خود ضرر رسانی معنا نموده‌اند (۱۲). عده‌ای قید پنهانی بودن را در معنای آن لحاظ کرده (۱۱، ۱۲). و گاهی برخی قید قریب الوقوع بودن را مطرح کرده‌اند.

با بررسی واژه کید و مشتقات آن این نکته حاصل می‌شود که کاربرد کلمه کید در کلام علی (ع) با معنای مکر و فریب و نقشه و حيله همراه است، به عنوان نمونه حضرت می‌فرماید: «...تَدْخُلُ فِيهَا مَكَائِدُكَ وَ اسْرَارُكَ بِأَجْمَعِهِمْ لَوْجُوهُ صَالِحِ الْأَخْلَاقِ...» (نامه ۵۳/ نامه‌های سری و نقشه‌ها و طرح‌های مخفی خود را در اختیار کسی بگذار که دارای اساسی‌ترین اصول اخلاقی باشد. حضرت به مناسبتی دیگر می‌فرماید: «... وَعَمَتِ مَكِيدَتُهُ...» (خطبه/ ۱۲۷) نیرنگ و فریبت همگانی گشته است. در جنگ صفین وقتی عمرو عاص در مقابل امیرالمؤمنین در مانده شد «كَانَ أَكْبَرَ مَكِيدَتِهِ أَنْ يَمْنَحَ الْقَوْمَ سَبْتَهُ» (خطبه/ ۱۹۲). بزرگترین نیرنگ او این است

د) مفهوم دیگر نفس در نهج البلاغه، مرتبه‌ای است که به اماره بودن نفس اشاره دارد، و این حالت آن گاه است که نفس، آدمی را پیوسته به سمت بدی می‌کشاند و به انجام دادن فعل بد امر می‌کند. در این هنگام نفس به اماره بالسوء اشتها می‌یابد. امام (ع) خطاب به مالک می‌فرماید: «فإن النفس أماره بالسوء...» (حکمت/ ۳۲۳) همانا نفس پیوسته به بدی امر می‌کند.

مکائد نفس

با توجه به آن چه در مفهوم شناسی واژه‌های کید و نفس بیان شد، می‌توان گفت واژه نفس آن گاه که مضاف الیه مکائد شود معنای مذموم کید به ذهن متبادر می‌گردد، در غیر این صورت در ارتباط با حضرت حق واژه کید معنای خاص خود را دارد که خدای متعال می‌فرماید: (إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ)، مکر و تدبیر من بسی محکم است (اعراف/ ۱۸۳ و قلم/ ۴۵).

علمای اسلامی تعبیری دارند و می‌گویند: «مکائد نفس» مقصود مکاری‌ها، حيله‌گری‌ها و ریاکاری‌های نفس با خود انسان است. و این موضوع از نظر علم‌الروح مسأله جالبی است که آدمی خودش نسبت به خودش فریب کاری کند، و مستلزم آن است که انسان دو نوع شخصیت داشته باشد: شخصیت فریب دهنده و شخصیت فریب خورده، استاد مطهری بر این موضوع تأکید می‌فرماید که روان انسان ظهوری دارد و بطونی و مسأله پنهان شدن میل‌ها در اعماق شعور باطن و دیگر مسأله تغییر قیافه دادن و به اصطلاح روانکاوان ماسک به چهره زدن میل‌های سرکوفته در کار است، و این حقیقتی است انکار ناپذیر (۱۹).

تسویل نفس

واژه «تسویل» به معنای جلوه دادن چیزی است که نفس آدمی بر آن حریص است، به گونه‌ای که زشتی‌هایش هم در نظر زیبا می‌شود (۸). این منظور نیز متعلق تسویل را نفس آدمی دانسته و چنین نگاشته است: «سَوَّيْتُ لَهُ نَفْسَهُ كَذَا، زَيَّنْتُ لَهُ، نفس او فلان چیز را برایش تسویل نمود؛ یعنی آن را برایش زیبا جلوه داد». و این حالت او را به انجام کارهای ناشایست و گفتار ناصواب و می‌دارد: «التسویل: تحسین الشيء و تزيينه و تحبيبه إلى الإنسان ليفعله أو يقوله» تسویل یعنی نیکو نمودن، تزیین و محبوب کردن چیزی برای انسان، تا آن کار را انجام دهد یا آن حرف را بگوید (۱۴).

علی (ع) می‌فرماید: «نفس بد فرمان ظاهر آرا، همچون منافق چاپلوسی می‌کند و خود را چون دوستی سازگار و دلسوز جلوه می‌دهد و همین که فریب داد و بر انسان دست یافت، چون دشمن مسلط می‌شود و با خودخواهی و قلدری فرمان می‌راند و شخص را به جایگاه‌های بدی و هلاکت می‌کشاند» (۱).

شهید مطهری تسویل را یک مفهوم روان‌شناسانه دقیق قرآنی می‌داند که انسان از درون خود، خودش را فریب می‌دهد. نفس انسان خواسته خود را چنان جلوه می‌دهد و به دروغ نقش و نگار می‌بندد که انسان فریب خورده و به دنبال آن می‌رود (۱۹).

آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «تسویل نفس به این معناست که نفس انسان، یا زشت را زیبا نشان می‌دهد و یا تنها بعد زیبای یک چیز دو بعدی را ارائه می‌دهد. مانند تابلوی لطیفی که یک طرف

که عورت خویش آشکار کرده، فرار کند (خطبه ۸۴). در فرازی دیگر از سرانجام زشت تکبر و خود پسندی بر حذر داشته آن را کمین گاه ابلیس و جایگاه حيله و نیرنگ او می‌داند و می‌فرماید: «... حيله و نیرنگی که با دل‌های انسان‌ها، چون زهر کشنده می‌آمیزد، و هرگز بی‌اثر نخواهد بود» (خطبه/ ۱۹۲).

گاهی کلمه کید به عنوان صفت مشاکله و مزاجه که از محسنات لفظی علم بدیع است به کار می‌رود، و صنعت مشاکله این است که لفظی را به واسطه آن که قرین و ردیف لفظ دیگری واقع شده است، مشاکل و مشابه آن بیاورند در صورتی که حق این بود که لفظ دیگری آورده شود. به عنوان مثال علی علیه السلام وقتی با تسامح و تعلل اصحابش در جنگ با مردم شام مواجه می‌شود، خطبه مفصلی ایراد و در ضمن آن خطبه می‌فرماید: «تُكَادُونَ وَ لَا تُكِيدُونَ» (خطبه/ ۳۴)، به شما نیرنگ می‌زنند و شما نیرنگ نمی‌زنید. در عبارت فوق شرط مشاکلت که اقتران لفظ کید است، موجود است، لذا معنی چنین می‌شود که مردم شام با شما نیرنگ می‌زنند و شما جزای نیرنگ آن‌ها را نمی‌دهید، و از طرف دیگر معنی تدبیر و چاره جویی در آن جمله کاملاً روشن و هویدا است.

مفهوم شناسی نفس

اهل لغت برای واژه نفس معانی متعددی مطرح کرده‌اند. برخی آن را به معنی روح دانسته و گفته‌اند: «خرجت نفسه» یعنی روحش خارج شد (۱۳). برخی دیگر به معنی ذات و اصل می‌دانند (۱۴)، طبرسی نفس هر چیز را ذات آن می‌داند، جز آن که گاهی به دنبال نام چیزی، با لفظ نفس آن را تأکید می‌کنند، اما با لفظ ذات تأکید نمی‌آورند (۱۵). خون نیز از معانی دیگر این واژه منظور شده است، چنان که می‌گویند: «نفس سائله» یعنی خون جهنده. ظاهراً خون را به این دلیل نفس گفته‌اند که روح با آن از بدنش خارج می‌شود و جان جانداران به آن وابسته است (۱۶). برخی دیگر نفس را در معنای خارج شدن نسیم هوا به کار می‌برند، چنان که ابن فارس آورده است، یک معنی اصلی دارد و آن خروج نسیم است، چه به شکل باد یا غیر باد و معنای تمام واژه‌های مشتق از این کلمه به همین معنا باز می‌گردد. او در ادامه بیان می‌کند: جان آدمی را به این دلیل نفس گویند که ادامه آن به نفس است (۱۷). برخی نفس را به معنی تأکید می‌دانند و بیان کرده‌اند، «جائتی زيدُ نفسه» یعنی زید خودش آمد (۱۸).

در نهج البلاغه نیز نفس به معنای زیر آمده است:

الف) گاه مراد از نفس جسم است، «چگونه به کسی ستم نمایم برای جسمی که به سرعت به سمت کهنگی و از بین رفتن پیش می‌رود و مدت‌های طولانی در میان خاک‌ها می‌ماند» (خطبه/ ۲۲۴).

ب) گاه مراد از نفس، ذات انسان است که شامل روح و جسم است. امام عزیزترین عزیزان به آدمی را خود او می‌داند و می‌فرماید: «چه چیزی تو را از گریه بر خویشتن تسلی داده و حال آن که عزیزترین عزیزان خودت هستی» (خطبه/ ۱۵۷).

ج) مفهوم دیگر نفس در کلام امام علی (ع) روح مجرد است. امام می‌فرماید: «اگر با (چشم دل) به آن چه در بهشت برایت توصیف می‌شود، نظر اندازی، روح از آن چه در دنیا پدیدار گشته کناره گیری خواهد کرد (خطبه/ ۱۶۵).

مند می‌شود و بدون توجه به عواقب بد آن از هر راهی که شد می‌خواهد آن عمل را انجام دهد» (۲۳ و ۲۰).

تلبیس

تلبیس به معنای آمیختن و مبهم کردن کار و درهم و مشتهبه ساختن امور (تخلیط) و فریب دادن (تدلیس) است و از واژه لبس برای مبالغه و تأکید، اشتقاق یافته است. واژه‌های لباس و لبوس و لبس به معنای پوشاندن نیز با لبس و تلبیس از نظر معنایی اشتراک دارند (۲۳).

این ماده در قرآن به صورت فعل به معنای آمیختن و مشتهبه کردن امور چند بار به کار رفته است (بقره/۴۲، آل عمران/۷۱، انعام/۹، انعام/۸۲، انعام/۷۱، انعام/۱۳۷، ق/۱۵). در واقع تلبیس و کتمان حق، دو روش متفاوت برای گمراه کردن دیگران است (۱۱). در احادیث نیز فعل مشتق از لبس به معنای عمل شیطانی نیرنگ، نفاق و ریا و غلّ و غش در کارها است (۲۴).

ساز و کار تلبیس آن است که در تلبیس هوای نفس اقدام به پوشانیدن حق، از بین بردن وضوح و صراحت آن و در نتیجه مشتهبه کردن امر کرده و از طریق ایجاد پوشش برای حق و باطل، بررسی واقعیت را دچار اختلال نماید. قرآن کریم از این موضوع نهی کرده است آن‌جا که می‌فرماید: «شما که دانائید حق را با باطل نیامیزید و آن را کتمان نکنید» (بقره/۴۲).

حضرت علی (ع) این موضوع را به بهترین وجه شرح می‌دهد و می‌فرماید: «اگر حق و باطل هر دو خالص باشند امکان انحراف وجود ندارد. در اثر تلبیس، نفس انسان حق را با باطل ممزوج می‌نماید و در نتیجه امر را مشتهبه می‌نماید و موجب انحراف بعضی از افرادی که فطرت آن‌ها قدرت کافی ندارد می‌گردد و البته انسان‌های با قدرت نجات می‌یابند» (نهج البلاغه، خطبه/۵۰). در حقیقت چون موارد مشتهبه وجود دارد، کم‌کم نفس به آن عادت پیدا کرده و بر اثر تکرار و مرور زمان به صورت ملکه در آمده و قدرت نفس برای مقابله با آن کم می‌گردد و از دیگر سو چون به حقیقت یقین و ایمان ندارد و آن را به صورت صحیح نمی‌شناسد، لذا؛ به تدریج در ورطه مکائد نفس دچار می‌شود.

تحلیل و مقایسه واژگان مرتبط با مکائد نفس

بنابر آن‌چه در بالا گفته آمد می‌توان دریافت که مکائد نفس یک فرآیند و ساز و کار دقیق است. افرادی که روانی پاک دارند و در ابتدای فریفته شدن در دام مکائد نفس هستند، راحت‌تر این فریبکاری‌ها را درک می‌کنند؛ چه، روح ایشان چون لوحی سپیدگون است که تاریکی در آن فهم می‌گردد، اما هرچه انسان بیشتر فریفته شود، فهم این فریفتگی برایش سخت‌تر است و به مرحله‌ای می‌رسد که کار خود را نه تنها بد نمی‌داند، آن را نیکو پنداشته و از رفتارش دفاع می‌کند. در حقیقت مکائد نفس یکی از خصایص انسانی است که در افرادی که دارای تقوا و ایمان هستند، زمینه بروز این صفت کمتر می‌شود و در افرادی که رذائل و گناهان بر آن‌ها غلبه می‌کند، به میزان شدت آن صفت، تاثیرپذیری آن‌ها از مکائد نفس بیشتر است. با توجه به بررسی و تحلیل به عمل آمده، پاره‌ای از نکات را ذکر می‌نماییم:

آن چهره زیبا و سمت دیگر آن زشت است، نفس می‌داند که انسان به چه چیز علاقه‌مند است، چیزهای مورد علاقه را برای او از راه باطل زیبا می‌نمایاند و باطل را به صورت حق جلوه می‌دهد» (۲۰).

علی (ع) می‌فرماید: «نفس همواره به بدی و زشت کاری فرمان می‌دهد. پس هرکه به نفس خویش اعتماد کند نفس به او خیانت می‌ورزد و هرکه به آن دل خوش کند نفس او را به هلاکت می‌افکند و هرکه از آن خشنود شود، نفس او را به جایگاه‌های بد درآورد» (۱).

نیز می‌فرماید: «براستی که این نفس همواره به بدی فرمان می‌دهد. بنابراین، هر کس عنان آن را رها کند همچون مرکبی سرکش او را به تاخت به سوی گناهان می‌برد» (۱).

از منظر علی (ع) سرکشی، افسار گسیختگی، بد فرمان بودن، ظاهرآرایی، خودخواهی و فریب‌کاری از ویژگی‌های نفسی است که دائماً انسان را وسوسه می‌کند، لذا باید با علم و خرد، ایمان و تقوای الهی خود را از خطرات این اسب سرکش دور نگه داشت.

تزئین

تزئین به معنای زیبا جلوه دادن، خلاف «شئین» و از ماده «زان»، «یزین» و مصدر باب تفعیل است (۱۴). زینت حقیقی آن چیزی است که انسان را در هیچ یک از حالاتش در دنیا و نه در آخرت آلوده و ناپاک نسازد.

علی (ع) در خطبه ۳۲ نهج البلاغه ضمن تقسیم‌بندی مردم، به گروهی اشاره می‌نماید که با اعمال آخرت دنیا را می‌طلبند، و با اعمال دنیا در پی کسب مقام‌های معنوی آخرت نیستند، خود را کوچک و متواضع جلوه می‌دهند. گام‌ها را ریاکارانه و کوتاه برمی‌دارند، دامن خود را جمع کرده، خود را همانند مؤمنان واقعی می‌آرایند، و پوشش الهی را وسیله نفاق و دورویی و دنیا طلبی خود قرار می‌دهند. کلام دقیق مولای متقیان بیانگر روانشناسی دقیق حضرت در معرفی انسان‌هایی است که در معرض تزئین نفس قرار گرفته به گونه‌ای که نفسشان رذائل را فضیلت جلوه داده تا بتوانند به اهداف خاص خود برسند. قرآن کریم در آیات متعدد به این نکته اشاره می‌کند که شیطان هنگامی که می‌خواهد در انسان نفوذ کند و او را از راه هدایت منحرف سازد، اعمال زشت را در نظرش زیبا جلوه می‌دهد، به عنوان نمونه می‌فرماید: هنگامی که شیطان، اعمال آنها (مشرکان) را در نظرشان زیبا جلوه داد» (انفال/۴۸). آری؛ شیطان همواره در کمین انسان است، وقتی زمینه گناه پیش آمد، آن چنان گناه را برای او آرایش می‌دهد که انسان گمان می‌کند آن کار خوبی است. شیطان اعمال انسان را به وسیله تحریک عواطف درونی مربوط به آن عمل تزئین می‌کند؛ یعنی، در دل انسان می‌اندازد که فلان کار، کار بسیار خوبی است. در نتیجه انسان از عمل خود لذت می‌برد و قلباً آن را دوست می‌دارد. قلب آن قدر متوجه آن عمل می‌شود که دیگر فرصتی برایش نمی‌ماند تا در عواقب وخیم و آثار سوء و شوم آن اندیشه‌ای کند (۲۱). به دیگر سخن «شیطان برای عمل ناپسند، ابتدا خواسته نفس انسان را پیدا می‌کند و آن‌گاه عمل ضد ارزش را بر طبق خواسته نفس زیبا جلوه می‌دهد، سپس با تحریک قوای باطنی و احساسات درونی، هواهای نفسانی و شهوت‌ها، آن کار را برای انسان حق می‌نمایاند، در نتیجه نفس به آن علاقه

الف: رابطه‌ی واژگان مرادف، عموم و خصوص من وجه است. بدین معنا که دارای نکات اشتراک و افتراق هستند و دلالت ارتباطی آن‌ها به وجه التزام است. به دیگر عبارت در ساز و کار مکائد نفس می‌توان دو مدل طولی و شبکه‌ای مطرح کرد. مدل طولی آن چنین است: تسویل، تزیین، کید و تلبیس. بدین معنا که ابتدا نافرمانی خدا برای آدمی آسان و زیبا جلوه داده می‌شود، سپس نفس اماره اسباب پذیرش آن را فراهم می‌کند و سپس رام چنین کار می‌گردد و در ادامه فریب آن را می‌خورد و در انتها برای خود و دیگران حقیقت را واژگونه جلوه می‌دهد. در مدل شبکه‌ای هر یک از اوصاف مکائد نفس، جنبه‌ای از مکائد نفس را بیان می‌کند. تزیین جنبه‌ی زینت بخشی فعل در نزد نفس، و در نتیجه میل و رغبت نفس به فعل مذموم، تلبیس جنبه‌ی پوشاندن حق در مسئله مذکور و تسویل نیز جنبه‌ی تقاضا و خواهش انسان از ناحیه نفس خود یا القا شیطان است. هر یک از موارد فوق را می‌توان به صورت خطی و رتبه‌ای ملاحظه کرد.

الف) دقیق بودن مکائد نفس
مکائد نفس بسیار دقیق است. ممکن است انسان را از راه شرع مُمَوّه (نموده) گول زند و وارد در مهالک کند. مثلاً غیبت متجاهر به فسق گرچه جایز است بلکه در بعض موارد که موجب ردع او شود واجب است و از مراتب نهی از منکر به حساب می‌آید، ولی انسان باید ملاحظه کند که داعی نفسانی او در این غیبت آیا همین داعی شرعی الهی است یا داعی شیطانی و محرک نفسانی در آن مدخلیت دارد؟ (۲).

امام خمینی تأکید می‌فرماید که: «مکائد نفس به قدری دقیق است که انسان جز پناه بر خدا چاره ای ندارد» (۲). ایشان برای مقابله با مکائد نفس توصیه می‌فرمایند: «اگر نفس از تو تمنا کرد که صدر مجلس را اشغال کن و تقدم بر هم قطار خود پیدا کن، تو بر خلاف میل آن رفتار کن، اگر تأنف می‌کند از مجالست با فقرا و مساکین، تو دماغ او را به خاک مالیده با فقرا مجالست کن، هم غذا شو، همسفر شو، مزاح کن. ممکن است نفس از راه بحث با تو پیش آید و بگوید تو دارای مقامی باید مقام خود را برای ترویج شریعت حفظ کنی، با فقرا نشستن وقع تو را از قلوب می‌برد، مزاح با زیر دستان تو را کم وزن می‌کند، پایین نشستن در مجالس از مقام تو کاسته می‌کند، آن وقت خوب نمی‌توانی به وظیفه شرعی خود عمل اقدام کنی، بدان تمام این‌ها دام های شیطان و مکائد نفس است» (۲).

ب) دقت کردن در مکائد نفس
امام خمینی (ره) با توجه به دقیق بودن مکائد نفس، در قسمتی از سخنان خویش مانند طیبی مشفق و دلسوز خطر مکائد نفس و شیطان را گوشزد می‌نماید و همگان را از رخنه دشمن ترین دشمنان که همان نفس اماره است برحذر داشته و می‌فرماید: «ای برادر در مکائد نفس و شیطان دقیق شو. بدان که نمی‌گذارند تو بیچاره یک عمل خالص بکنی؛ و همین اعمال غیر خالصه را که خداوند به فضلش از تو قبول کرده نمی‌گذارند به سر منزل مقصود برسانی. کاری می‌کنند که بواسطه عجب و تدلل بیجا همه اعمال به باد فنا برود...» (۲).

ایشان می‌فرمایند: «مکائد شیطان و نفس به قدری دقیق و باریک است و صراط انسانیت به طوری نازک و تاریک است که تا انسان موشکافی کامل نکند نمی‌فهمد چه کاره است. خودش گمان می‌کند کارهایش برای خداست، ولی برای شیطان است. انسان چون مفظور به حب نفس است، لهذا پرده خود خواهی معایب او را بر خود او می‌پوشاند (۲).

ج) پیچیدگی مکائد نفس
پیچیدگی مکائد نفس به قدری است که امام این نکته بسیار مهم را متذکر می‌شوند که حتی در مخالفت با کید نفس باید ملتفت باشی که او گاهی دام خود را باز کرده از راه دیگر تو را زمین می‌زند. مثلاً می‌بینی به طوری در پایین مجلس می‌نشینی که می‌فهماند به

ب: همه‌ی واژگان مرادف کید بر باب تفعیل هستند که دلالت بر تدریج دارد. این به آن معناست که غفلت و فریب‌کاری نفس به صورت تدریجی صورت گرفته و اندک اندک و با و سوسه‌های پی در پی به انجام کارهای گناه‌آلود نزدیک می‌شود. یکی از نمونه‌های قرآنی در این باب قتل هابیل توسط برادرش قابیل است که کم کم نفس او بر این کار رام شد و برادرش را کشت و از پشیمانان گردید (مائده/ ۳۰). البته باید متذکر شد که درجه‌ی تدریج اینها به یک اندازه نیست و بسته به شدت و حدت گناه و نیز اسباب کید نفسانی و شیطانی و نیز نوع کید، متفاوت است. از نظر نباید دور داشت که تدریجی بودن مانع از ایجاد تلنگر و شوک در آدمی شده و سبب غفلت او خواهد شد و واژگونه شدن شخصیت او را در پی خواهد داشت.

ج: پاره‌ای از این واژگان در معنای مثبت و منفی توأمان به کار می‌روند. مثلاً معنای مثبت واژه کید وقتی درباره‌ی خداوند به کار می‌رود؛ یعنی کید کافران و مشرکان را به ایشان بازمی‌گرداند. معنای مثبت تزیین نیز جلوه‌های عالم طبیعت و نیز امور معنوی است. دو واژه تسویل و تلبیس نیز فقط در معنای منفی به کار می‌روند.

د: در انحراف انسان از مسیر بندگی، مکائد نفس عاملی درونی و وسوس شیطان و ابزارهای گوناگونش عاملی بیرونی است.

ه: در فرآیند واژگان مکائد نفس، فریفته شدن از خود فرد شروع می‌گردد، ولی به خود او ختم نمی‌گردد. این مهم در توصیف معاویه در کلام مولای متقیان کاملاً مشهود است. در قرآن کریم به این نکته کلیدی اشاره شده است که به عنوان نمونه وقتی سامری تسویل گردید، باعث شد تمام بنی‌اسرائیل در دام نفس اماره گرفتار آیند و از اطاعت و فرمانبرداری ولی خدا حضرت هارون (ع) سرباز زنند.

دیدگاه امام خمینی (ره) پیرامون مکائد نفس یکی از شخصیت‌هایی که بیشترین اشاره را به موضوع مکائد نفس و خطرات آن داشته‌اند، امام خمینی (ره) می‌باشند. آن حضرت در کتاب شریف شرح چهل حدیث بیش از ده مرتبه به موضوع مکائد نفس و خطرات آن اشاره نموده است. ایشان با تکیه بر آیات و روایات ضمن بر شمردن خطر مکائد نفس و شیطان، برای مقابله با

صلی الله علیه و آله و سلم - باشد و تأسی به آن بزرگوار بکند در جمیع حرکات و سکنتات و در تمام افعال و تروک» (۲۵).
مشارطه:

مشارطه که آن را «معاهده» نیز می گویند، عبارت است از: شرط و تعهد انسان بر ترک معصیت و انجام دادن تکالیف و ادای وظایف و ایفای مسئولیت ها و پای بندی به عهد و پیمانی که بسته است. در قرآن بر التزام به تعهدات که بالاترین آن ها تعهد به خداست، تاکید فراوان شده است از جمله سوره اسراء آیه ۳۴. حضرت امام درباره مشارطه چنین میفرماید: «مشارطه آن است که در اول روز مثلاً با خود شرط کند که امروز بر خلاف فرموده حق تبارک و تعالی رفتار نکند و این مطلب را تصمیم بگیرد و معلوم است که یک روز خلاف نکردن امری خیلی سهل و آسان است و انسان به راحتی می تواند از عهده آن بر آید» (۲۵).

۵ - بهره‌مندی از نصایح قرآن

علی (ع) در کلامی نورانی راه مبارزه با مکائد نفسانی از جمله کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی را بهره‌مندی از نصایح قرآن و تمسک و توسل به آن معرفی می‌نماید: «وَأَسْتَنْصِحُوهُ عَلٰی أَنْفُسِكُمْ» (خطبه ۱۷۶)، و علیه نفس خود از او (قرآن) نصیحت بخواهید. و در فرازی دیگر از همین خطبه می‌فرماید: «آگاه باشید، همانا این قرآن پند دهنده‌ای است که نمی‌فریبد، و هدایت کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد، و سخنگویی است که هر گز دروغ نمی‌گوید». سپس حضرت می‌فرماید: «پس درمان خود را از قرآن بخواهید، و در سختی‌ها از قرآن باری بطلبید، که قرآن درمان بزرگترین دردها است (۲۵). حضرت علی (ع) در خطبه ۱۵۸ در این رابطه می‌فرماید: «... ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ...»، آن را به سخن آرید اگرچه هرگز (با زبان عادی) سخن نمی‌گوید، اما من از جانب او شما را آگاهی می‌دهم بدانید در قرآن علوم آینده و اخبار گذشته، داروی بیماری‌ها و نظم حیات اجتماعی شماست. نتیجه این که از مهم‌ترین راه‌های مبارزه با دشمنی نفس و مکائد آن، بهره‌مندی از دستورالعمل شفا بخش قرآن جهت درمان بزرگترین بیماری و انحراف انسان یعنی تبعیت از نفس و مکائد آن است.

پروا پیشگی

پس از معرفت و آگاهی نسبت به دام‌ها و مکائد نفس، ذکر این نکته ضروری است که عواملی مثل تزیین و تسویل زمانی بر انسان حاکم می‌شود که گناه و بدی‌ها بر انسان مستولی شده باشد. وقتی گناهان برای شخص ملکه می‌شود تزیینات و تسویلات نفسانی او بیشتر و در نتیجه قدرت مقاومت کمتر و انفعال از القانات نفسانی بیشتر می‌شود. از آن‌جا که شخص متقی قوای وی در راستای حکم الهی عمل می‌کند لذا در معرض تزیین و تسویل کمتری قرار دارد. در فرهنگ نهج البلاغه متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه‌ای نفسانی فراهم می‌سازد تا او را از آسیب‌های درونی و بیرونی مصون دارد. بنابراین یکی از راهکارهای اصلی مقابله با مکائد نفس تقوا است. واژه تقوا و مشتقات آن از کلیدی ترین واژه‌هاست که حدود ۱۰۰ بار در نهج البلاغه به کار رفته است. نهج البلاغه تقوا را به عنوان یک نیروی معنوی و روحی که بر اثر ممارست و تمرین پدید می‌آید و پرهیز از گناه را سهل و آسان

حضار که مقام من بالاتر از این‌هاست، ولی تواضع کردم... این‌ها و صدها قبیل این از مکائد نفس است.

راه کارهای مقابله با مکائد نفس
یقظه:

از دیدگاه امام خمینی (ره) اولین مرحله مبارزه و مقابله با مکائد نفس و به تعبیر دیگر اول منزل از منازل انسانیت منزل یقظه و بیداری است (۲۵). ایشان اولین قدم تعلیم و تربیت اصولی و «تهذیب نفس» را بصبر و آگاهی می‌دانند که با آن می‌توان از چنگال ام‌الفساد درونی رها گردید و این چیزی است که خداوند در قرآن از آن، به عنوان فلسفه وجودی انسان یاد کرده است که اگر انسان معرفت، بیداری و آگاهی پیدا کرد، در واقع فلسفه وجودی و مسئولیت خویش را در این جهان با عظمت دریافته است.

علی - علیه السلام - می‌فرماید: «آیا بیماری تو را درمان نیست و خواب زدگی تو درمان ندارد؟ چرا آن‌گونه که به دیگران رحم می‌کنی به خود رحم نمی‌کنی؟ چه بسا کسی را در آفتاب سوزان می‌بینی، بر او سایه می‌افکنی یا بیماری را می‌نگری که سخت ناتوان است، از روی دلسوزی بر او اشک می‌ریزی، اما چه چیز تو را بر بیماری خود بی تفاوت کرده و بر مصیبت‌های خود شکیب و از گریه بر حال خویشتن باز داشته است؟ در حالی که هیچ چیز برای تو عزیزتر از جانانت نیست...» (نهج البلاغه خطبه ۲۲۳).

تفکر و تدبیر

دومین مرحله تهذیب و مبارزه با نفس تفکر است. نقطه آغازین اندیشه عبارت است از دقت و تدبیر و نظر در آفاق و انفس. تفکر در آثار خدا و نعمت‌های او که توجه به آن‌ها نفس را خاضع و به سپاس و می‌دارد و نیز اندیشیدن انسان به سرنوشت خویش و وظیفه‌ای که در برابر خدا دارد و این که هدف از زندگی دنیوی چیست، مقصد نهائی حیات کجاست؛ و برای وصول به آن چه باید کرد.

در روایات از تفکر بهترین عبادت و طریق علم و عمل و نیل به سعادت و درجات عالی یاد شده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هیچ عملی هم چون تفکر و اندیشیدن نیست» (نهج البلاغه حکمت ۱۱۳).

عزم

مرحله سوم تهذیب و مبارزه با نفس عزم است، یعنی تصمیم و اراده بر انجام دادن واجبات و ترک محرمان و جبران مافات و پایداری و استقامت در راه حق و حقیقت، انسان بدون عزم و اراده و تصمیم به هیچ یک از مقامات نخواهد رسید.

امام خمینی درباره عزم چنین می‌فرماید: «عزم جوهره انسانیت و میزان امتیاز انسان است و تفاوت درجات انسان به تفاوت درجات عزم او است و عزمی که مناسب با این مقام است عبارت است از عزم بر ترک گناه و معاصی و فعل واجبات و جبران آن چه از او فوت شده در ایام حیات و بالاخره عزم بر این که ظاهر و صورت خود را انسان عقلی و شرعی نماید و انسان شرعی عبارت از آن است که موافق مطلوبات شرع رفتار کند و ظاهرش ظاهر رسول الله -

نتیجه گیری

۱- در مقاله حاضر، بر این نکته اصلی تأکید شده است که نفس اماره به عنوان یکی از مراتب نفس انسانی، دشمن سرسختی است که همواره با شیوه های مختلف مانع تربیت صحیح و حرکت کمالی انسان است.

۲- مکائد نفس از اصطلاحات برگرفته از آموزه های دینی است و مقصود مکاری ها، حيله گری ها، فریب کاری ها و ریاکاری های نفس با خود انسان است. این بیماری به قدری پیچیده و دقیق می باشد، که هیچ کس در هیچ مرتبه ای به جز معصوم علیهم السلام از خطر مهلک آن در امان نیست.

۳- بر اثر فراموشی و غفلت از یاد خدا و نیز خود حقیقی انسان، کیده های نفس اماره (تسویل، تزین، تلبیس) بر انسان غالب می شود و این کیده ها با توجه به جایگاه و حال نفسانی تک تک آدمیان متفاوت است. به عبارت دیگر مکائد نفس امری تشکیکی و دارای مراتب است که با مراتب شناخت و ایمان، موقعیت و جایگاه افراد ارتباط مستقیم دارد.

۴- همچنان که جسم و بدن انسان نیاز به مراقبت و درمان دارد، نفس نیز در معرض خطرهای زیادی قرار می گیرد و در صورت بی توجهی به این مهم و عدم درمان به موقع زمینه انحراف و سقوط از مراتب انسانی وی فراهم می گردد.

۵- یقظه و بیداری، تفکر و تدبر، مشارطه، بهره مندی از نصایح قرآن، تقوا و پروا پیشگی، مراقبه و محاسبه نفس، از جمله کاربردی ترین راه کارهای پیشنهادی مقابله با چالش مکائد نفس با تأکید بر آموزه های نهج البلاغه و اندیشه های امام خمینی است که باید مورد توجه قرار گیرند.

References

- The Holy Quran
- Nahj al-Balagheh
- 1- Drayati, Mustafa (2002) Translation of Gharr al-Hakam. Mashhad: Shrine of the Sun.
- 2- Khomeini, Ruhollah (1374) Explanation of forty hadiths. Sixth edition. Tehran: Imam Khomeini Publishing House.
- 3- Amadi, Abdul Wahed bin Mohammad (1387), Tasnif Gharr al-Hakam and Dar al-Kalam. Electronic version. Qom: Tebyan Cultural and Information Institute.
- 4- Hosseini, Zahra and Jokar, Najaf (2014), "Study and analysis of the greatest obstacles to human growth and perfection in Nahj al-Balagheh and Masnavi". Religious Thought. Ninth Year, No. 51, pp. 81-110.
- 5- Hashemi, Seyed Hossein and Ayoubi, Fatemeh (2015) "Stages of soul completion

می نماید، طرح و عنوان کرده است. در خطبه ۱۱۲ می فرماید «تقوای خدا دوستان خدا را در حمایت خود قرار داده و آنها را از تجاوز به حریم محرمات الهی نگه داشته است. در حقیقت تقوای سدی جهت جولان دادن نفس اماره و مکائد آن است» حضرت میفرمایند: «بندگان خدا، شما را به تقوای الهی سفارش می کنم، که تقوای مهارتی است که شما را به راه سعادت درمی آورد، و در راه بندگی استوارتان می دارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵).

علی (ع) می فرمایند: «در هر صبح و شام از خدا بترس و از فریب کاری دنیا بر نفس بیم ناک باش» (نامه/۵۶). هم چنین حضرت در ضمن بیان ویژگی های پرهیزکاران می فرمایند: «اگر نفس او در آن چه دشوار است، فرمان نبرد، از آن چه دوست دارد محروم می کند» (خطبه / ۱۹۳). و در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: «نفس را از اقدام به آن چه برای تو حلال نیست سخت بازدار؛ زیرا انصاف و عدالت درباره نفس، جلوگیری جدی از اقدام نفس است در هر چه که بخواهد یا نخواهد» (نامه/ ۵۳) حضرت ثمره دیدن با چشم دل را این گونه بیان می دارد که: «اگر با دیده دل به آن چه که از بهشت توصیف می گردد بنگری، نفس تو از آن چه در این جهان از زیبایی ها و خوشی ها و زینت های ظاهری آن وجود دارد، دوری می کند» (خطبه/ ۱۶۵). هم چنین خطاب به شریح بن هانی می فرماید: «بدان که اگر نفس خود را از مقداری فراوان از چیزهایی که دوست می داری به جهت ترس از یک ناگواری باز نداری، هوا و هوس های نفسانی تو را به مقداری فراوان از ضررها می کشاند. پس همواره مانع جلوگیری نفس خوشتن باش» (نامه/ ۵۶). به همین مناسبت می فرماید: «پس رحمت خدا بر کسی که خود را از شهوات جدا سازد و هوای نفس را مهار کند؛ چرا که جلوگیری از نفس سرکش از مشکل ترین کارهاست و این نفس، همواره به گناه و هواپرستی میل دارد» (خطبه/ ۱۷۶).

مراقبه و محاسبه ی نفس

یکی دیگر از راه هایی که می تواند انسان را از خطر مکائد نفسش آگاه کرده و مانع افتادن او در این دام شود، مراقبه و محاسبه است. علی (ع) می فرماید: «ای مردم! به تربیت نفس های خود بپردازید و آنرا از آزمندی به عادت هایش باز دارید» (حکمت / ۳۵۹). حضرت می فرمایند: «به نفس هایتان رخصت ندهید که این رخصت دادن ها شما را به راه های ستمکاران می برد و با نفس مماشات نکنید که مماشات کردن با آن شما را به معصیت می کشاند» (خطبه/ ۸۶).

امیر المؤمنین، علی (ع) می فرماید: «... بندگان خدا، بر حذر باشید از روزی که اعمال مورد بررسی قرار می گیرند و لرزش ها و تنش ها فراوان است و کودکان (از ناراحتی) پیر می شوند: (یوماً یجعل الولدان شیباً) ای بندگان خدا! بدانید که مراقب هایی از خودتان بر شما گماشته شده و دیده بانانی از اعضای پیکرتان ناظر شما هستند و نیز بدانید که حسابگران راستگو اعمال شما را ثبت می کنند و حتی نفس هایتان را نگه می دارند، نه ظلمت شب تاریک شما را از آن ها پنهان می دارد نه در های محکم و بسته (هر کجا باشید به همراه شما هستند) و برآستی فردا به امروز نزدیک است...» (نهج البلاغه خطبه ۱۵۷).

- 18- Qorashi Bonabi, Ali Akbar (1371), Quran Dictionary. Sixth edition. Tehran: Islamic Library.
- 19- Motahari, Morteza (2011), Professor's notes. Volume 2, Sadra Publications.
- 20- Javadi Amoli, Abdullah (1387). B. Interpretation of Tasnim. Volume 13. Qom: Captives ...
- 21- Tabatabai, Mohammad Reza (1398) Simple. Ninety-fifth edition. Qom: Dar al-Alam.
- 22- Tabatabai, Mohammad Hussein (1367) Al-Mizan. Volume 14, Third Edition. Translated by Mousavi Hamedani, Tehran: Mohammadi Publications.
- 23- Moein, Mohammad (2007) Moein Persian culture. Third edition. Tehran: Zarrin Publications.
- 24- Majlisi, Mohammad Baqir (1403), Baharalanvar Al-Jame'a for the news of the pure Imams (peace be upon them), third edition, Beirut: Publications: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
- 25- Imam Khomeini, Ruhollah. (1368). Posts. Qom: Ismaili Foundation. Third Edition, 2 vols
- from the perspective of Nahj al-Balaghah". Nahj al-Balaghah Research. Volume 13, Number 47, pp. 123-144.
- 6- Mahjoub, Fereshteh, (2015), "Analysis and analysis of the dimensions of the noble hadith" I know myself, I lack the knowledge of God "in the texts of mystical articles. Research in mystical literature (gem). Ninth year, first issue, 28 consecutive, pp. 143-166.
- 7- Tarihi, Fakhruddin Ibn Muhammad (1375), Bahrain Assembly. Nature 3. Tehran: Mortazavieh School.
- 8- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad (1412 AH), Dictionary of the meanings of the words of the Qur'an. Beirut: Dar al-Shamiya.
- 9- Mustafavi, Hassan (1385), research on the words of the Holy Quran. C10, first edition. Tehran: Book Translation and Publishing Company
- 10- Tusi, Muhammad Ibn Hassan, Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran, Volume 2, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi
- 11- Fakhr Razi, Abu Abdullah Muhammad Ibn Umar, (1420 AH) Mafatih al-Ghayb (Tafsir Kabir). Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.
- 12- Abolfotuh Razi, Hussein Ibn Ali (1371 AH) Holy Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.
- 13- Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1409 AH), Al-Ain. Qom: Dar al-Hijra Publications.
- 14- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram, (1410 AH), Arabic language. Volume 6, Print 3. Beirut: Dar Sader.
- 15- Tabarsi, Abu Ali Fadl Ibn Hassan, (2005), Majma 'al-Bayan. Tehran: Naser Khosrow.
- 16- Zubaidi, Seyed Morteza, (1994), The Crown of the Bride in the Explanation of the Dictionary. Beirut: Dar al-Fikr Publications.
- 17- Ibn Faris 1404. Comparisons of language, Qom, Maktab al-Alam al-Salami.